

حکمت

امام کاظم (ع)

امانتداری و راستی، روزی آور است، و خیانت و دروغ، فقر و نفاق می آورد.

تحف العفول

نکته روز

گزارش یک جشن

رکورد شکنی تولید محتوا درباره جشنواره‌ای که قرار بود تحریم باشد!

فضای توئیتر فارسی در ایام جشنواره فیلم فجر دو قطبی و پیرامون موضوعاتی چون تحریم، داوری‌ها، حضور تماشاگران و اختتامیه، برجسته و یخ‌برانگیز بوده است. از سوی دیگر، انتشار ۵۲ هزار توئیت از سوی ۲۵ هزار کاربر، بیش از هر چیز به رونق جشنواره فیلم فجر در توئیتر اشاره دارد، هرچند که محتوای انتقادی هم جزئی از این واکنش‌ها بوده است. بررسی داده‌های توئیتری منتشرشده پیرامون جشنواره فیلم فجر شامل توئیت‌ها، ریتوییت‌ها، ریپلای‌ها و کوت‌ها در بازه زمانی ۱۰ بهمن تا ۲۳ بهمن نشان می‌دهد که ۵۲ هزار توئیت در این ۱۴ روز با موضوعیت جشنواره فیلم فجر از سوی ۲۵ هزار کاربر مختلف منتشر شده است که نرخ مشارکت ۲/۰۳ را برای این موضوع دربر داشته و بیش از هرچیز حکایت دلمشغولی و دغدغه توئیتری‌ها در ارتباط با جشنواره فیلم فجر با رویکرد حمایتی یا انتقادی را می‌رساند. مشارکت ۵۲ هزار تایی با نرخ مشارکت ۲/۰۳ این پیام را برای تحریم‌کنندگان و مخالفان برگزارِ جشنواره فیلم فجر داشت که از نظر تعداد و مشارکت کمی جشنواره فیلم فجر تحریم نشده و بحث و نظرات مختلف و متعددی پیرامون این رخداد فرهنگی هنری در توئیتر فارسی صورت گرفته است. فعال‌ترین کاربران به رسانه‌ها و افرادی متناسب می‌شود که فارغ از تاثیرگذاری توئیتری از قبیل گرفتن لایک و ریتوییت بالا، بیشترین تولید محتوا را در این بستر داشته است؛ روزنامه جام‌جم با ۱۳۵ توئیت، فعال‌ترین رسانه جشنواره چهل و یکم فیلم فجر بوده که اخبار و عکس‌های این رویداد را به‌طور هم‌زمان در توئیتر منتشر کرده است. بعد از روزنامه جام‌جم، رسانه صبا با ۹۶، سوره سینما با ۵۴ و خبرگزاری آمریکا با ۵۳ از دیگر رسانه‌های موافق و مخالف نظام بود که این رویداد رسانه‌ای را پوشش داد. عمده مضامین این موج توئیتری به تقابل و دو قطبی میان دو طیف رادیکال موضوعات مختلفی چون تحریم، سلب‌ریتی، نامزدی و جوایز، داوری و همچنین حال و هوای کلی جشنواره مربوط بوده است به نحوی که برخی تحریم‌ها را موثر و جشنواره را ناکارآمد توصیف کرده در حالی‌که طرف مقابل از ازدحام و شلوغی این رویداد خبر و عکس منتشر کرده است.

بحث سلب‌ریتی‌ها دیگر موضوع پربحث و جدل توئیتری‌ها درباره جشنواره فیلم فجر بود که با حضور حداقلی آنها در سالن‌های نشست رسانه‌ای فیلم‌ها اوج گرفت. برخی نبود سلب‌ریتی‌ها در این جلسات را باعث بی‌رونقی جشنواره دانسته‌اند در حالی‌که گروه دیگر مدعی شده‌اند که نبود سلب‌ریتی‌ها باعث کاهش حاشیه‌ها و عمیق‌تر شدن مباحث فیلم‌ها شده است. استخراج بحث‌برانگیزترین فیلم‌های جشنواره فیلم فجر یکی از اهداف اصلی این داده‌کاوی بوده که از طریق کدگذاری مجزا از حدود ۵۲ هزار نمونه‌آماری انتخاب و طبقه‌بندی شده است:

«سرهنگ ثریا» با ۲۷ درصد، فیلم نخست توئیتری‌ها جشنواره فیلم فجر بوده که بیشترین بحث‌ها درباره آن مربوط به تعریف و تمجید کاربران از موضوع جدید و بازی ماندگار زاله صامتی بوده است، «چراگری نمیکنی» ساخته علیرضا معتمدی با ۱۸ درصد رتبه دوم فیلم‌های بحث‌برانگیز توئیتر شد. عمده محتوای منتشرشده در این بخش به فضاسازی عوامل در خصوص تحریم و سخنان تهیه‌کننده فیلم در نشست رسانه‌ای فیلم مربوط بود.



نگاه



آشوب رنگ

شانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی گردشگری و صنایع‌دستی وابسته همین چند روز پیش در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران پایان یافت. نمایشگاهی که به نوعی ویتروینی از اقوام ایرانی بود و با تماشای آن می‌شد به گنجینه گردشگری ایران که همانا تنوع قومیتی بالای این سرزمین است پی‌برد و تافخر کرد. همین تصویر امروز که از قاب دوربین مجید آزاد عکاس روزنامه جام‌جم ثبت شده هم نشان از رنگارنگی صنایع دستی ایران زمین دارد.

پنهان‌کاری «سمی» آمریکایی

وقتی از سانسور شدید رسانه‌ای آمریکا حرف می‌زنیم به این معنی است که حالا می‌دانیم ۱۰ روز قبل برآثر خروج یک قطار باری از خط در روستای فلسطین شرقی در اوهایوی آمریکا، ساکنان منطقه تخلیه و آتش عظیمی ایجاد شده است. برخی رسانه‌های محلی گزارش دادند حدود ۵۰ واگن این قطار باربری که حامل محموله‌های سمی خطرناک شامل وینیل کلرید از چند ایالت دیگر بود، از خط خارج و سپس منفجر شد و دود و آتش عظیمی منطقه را فراگرفت. وقتی از مدیریت انتشار اخبار و مدیریت افکار عمومی در بحران حرف می‌زنیم، منظورمان همین است! یعنی در آمریکا قطار مواد شیمیایی از ریل خارج و منفجر شده است و یک جهان از آن بی‌خبر است، یعنی انفجار و نشت مواد سمی در حد تخلیه شهر صورت گرفته که این موضوع با سرکوب خبری آمریکایی‌ها روزبه‌رو شده است.



روایت یک نجات‌دهنده

یکی از پریازدیدترین ویدئوهای مربوط به زلزله اخیر حال‌نه مربوط است به نجات فردی زیرآوارمانده پس از هفت روز و نه روایتی است از موج تخریب‌های عجیب زمین‌لرزه در مناطق این کشورها، طی روزهای گذشته تصاویری از دوربین‌های مداربسته یک مرکز درمانی در شهر زلزله‌زده غازیانتپ منتشر شده است که روایت فداکاری یکی از پرستاران کادر درمان را در نجات کودکان بستری در آن بخش هنگام زلزله نشان می‌دهد. روایتی که هم تا امروز بسیار دیده شده و هم موجی از افتخار و همدلی و البته روحیه رابه جامعه سوگ‌زده منطقه تزریق کرده است. همین فیلم کوتاه روایت خانم شیما آلاکوش، پرستار بیمارستانی در غازی آنتپ ترکیه هنگام وقوع زلزله شدید است که به جای فرار، جان خود را برای انتقال بیماران از بیمارستان هنگام زلزله به خطر انداخت.



چهارراه

حتی به نوعی نمادی از قهرمان روایت هستند! دروغگوها اساسا محبوب‌ترین شخصیت‌های یک قصه نیستند. اگر نقش اول باشند، به گونه‌ای ضدقهرمان محسوب می‌شوند و اگر شخصیت جالبی نداشته باشند، ضد قهرمان بودن پیش مخاطب منفور هم واقع می‌شوند. نمونه‌ای «آقای ریپلی با استعداد» که یکی از نفرت‌انگیزترین دروغگویان تاریخ سینما به حساب می‌آید. با این حال، می‌توان با این ویژگی قصه‌های جذاب و پپیش‌های داستانی جالبی خلق کرد؛ به همین خاطر است که در این فهرست به چند دروغگوی برتر سینما نگاهی داشته‌ایم.

تکان دهنده: «این‌که اغلب افراد باطن نیکی دارند.» او در کتاب آدمی به ما نشان می‌دهد که انسان به مهر و نیکی‌هاهی تمایل دارد و این تمایل و باور می‌تواند یک تفکر نوین را شکل دهد و مبنایی برای تغییرات راستین در جامعه باشد. برخمان با نگاهی به وقایع مختلفی که در جهان رخ داده، پژوهش‌های متفاوت و ...، دیدگاهی متفاوت را بیان می‌کند و نگاه ما را به دنیای آینده تغییر می‌دهد. تغییری که می‌تواند بسیار روشن‌تر از تفکر و تصور ما باشد. اما سینما مصادق‌های متناقض بسیاری را پیش روی چشم ما قرار می‌دهد، دروغگوهای که در فیلم

در عصری که به طور دائم به‌واسطه رسانه‌های اجتماعی و گردش ۲۴ ساعته اطلاعات با اخبار جعلی و اطلاعات نادرست مواجهیم، این‌که هنوز دروغگویی و دورویی یک شخصیت مهم سیاسی یا حتی فردی عادی در زندگی‌مان شگفت‌زده یا سرگرم‌مان می‌کند، دلگرم‌کننده است. این یعنی ما هنوز به انسان اعتماد و امید داریم یا از این مرحله یک قدم فراتر رفته‌ایم و با رد یلت‌هایش سرگرم می‌شویم. روتگر برحمان، نویسنده کتاب معروف «آدمی: یک سرشت نویدبخش» هم درست به همین موضوع می‌پردازد، درباره یک ایده رادیکال اما مهم و

دروغ بگو و زندگی کن!

نگاهی به چند دروغگوی معروف سینما که به نوعی قهرمان روایت شدند

فراست/ نیکسون

ریچارد نیکسون، قدیس حامی دروغگوهای سیاسی، اغلب سوزه فیلم‌های تخیلی و مستندهای درام بوده است اما او در مرگ هم به همان اندازه زندگی، بی‌ثبات و دورو بود. کارگردان، ران هاوارد در درام تاریخی نازم اسکارش، «فراست/نیکسون» سعی می‌کند با استفاده از مصاحبه‌های تلویزیونی سال ۱۹۷۷ نیکسون (فرانک لانلا) با دیوید فراست (مایکل شین) از زاویه‌ای دیگری به او نگاه کند. نیکسون و دار و دسته‌اش، از آنجا که فراست از فردی کم‌نفوذ می‌دانستند، تصور می‌کردند می‌توانند او را برای دستکاری کردن روایت پیرامون رسوایی واترگیت واستغای احتمالی خودش استفاده کنند. در عوض، میل سوزاننده نیکسون به اعتراف، او را وادار می‌کند تا تیر خلاص را به خودش بزند. تکبر او باعث شد باور کند که زیرکی‌اش غالب خواهد شد و میل شدیدش به اعتراف، همه چیز را آشکار کرد.



مظنونین همیشگی

نواز معمایی تحسین شده و اسکاربرده «مظنونین همیشگی» با یک فلاش‌بک طولانی روایت می‌شود. در واقع این وربال کینت، شاید خرده‌با (با بازی کوین اسپسی) است که دارد تحت بازجویی مجاری پیچیده از خودش و همدستانش را برای مأمور گمرک ایالات متحده، دیو کوجان (با بازی جاز بالمینتری) تعریف می‌کند. وربال کینت، متهمی است که تنها یکی از دو بازمانده قتل عام و آتش‌سوزی کشتی در بندر لس‌آنجلس است. او به جز روایت این داستان پیچیده، در اعتراف‌اش از مردی رموز به نام کاپیز شرف حرف می‌زند. پایان فیلم همه چیزهایی را که در کل فیلم شاهد آن هستیم، زیر سؤال می‌برد؛ معلوم نیست که کینت اجبارا دروغ می‌گوید یا فقط برای پوشاندن کارهایش، به هر حال واضح است که او در این کار بسیار حرفه‌ای است.



رفتگان

تقریبا همه در فیلم جنایی تحسین شده و پرستاره مارتین اسکورسزی «مروح» یا «رفتگان» (که براساس فیلم «روابط داخلی» محصول هنگ‌کنگ ساخته شده است) دارند دروغ می‌گویند. لئوناردو دی‌کاپریو نقش پلی کاستیگان، پلیسی از جنوب بوستون، را بازی می‌کند که مخفیانه وارد یک سازمان جنایی می‌شود تا متوجه شود که یک جنایتکار (او نمی‌داند که این شخص کالین سالیوان است که مت‌دیوم نقش‌اش را بازی می‌کند) به اداره پلیس نفوذ کرده است. هر کدام از شخصیت‌های این فیلم درباره مشاغل دروغین خود عمیقاً دروغ می‌گویند (همزمان با این‌که کوستیگان مجبور است به خاطر کارش به عنوان پلیس مخفی دست به فعالیت‌های مجرمانه واقعی بزند) و هر یک می‌دانند که دشمنی دارند که باید از بین برود.



اگه می‌تونی منو بگیر

حالا وقتش است به سراغ فیلمی سرگرم‌کننده‌تر و دروغگویی دوست‌داشتنی‌تر با بازی لئوناردو دی‌کاپریو که به اختلال دروغگویی اجباری مبتلاست برویم. کم‌دی درام زندگینامه‌ای جنایی استیون اسپیلبرگ داستان واقعی فرانک آگینل را روایت می‌کند که ادعا می‌کرد از یک شیا د ساده با اعتماد به‌نفس نباشد توانسته است خودش را به جای خلبان یان‌ام و همچنین یک پزشک و یک‌سری شغل‌های جعلی دیگر جا بزند و چک‌های حقوق به مبلغ میلیون‌ها دلار جعل کند. کاملا مشخص نیست که آیا آگینل حقیقی در کتاب خاطرات خود اقرار کرده یا خیر، ابهامی که در داستان خوب می‌نشیند. آگینل لئوناردو دی‌کاپریو، اگرچه در سرتاسر فیلم تحت تعقیب یک مأمور باشاهمت افبی‌آی با بازی تام هنکس است اما بیشتر با سبک زندگی دائم در سفر و خوشگذرانی عاری‌ای‌اش سرگرم می‌شود و از زندگی لذت می‌برد.

